

تصویر امام کاظم (ع) در متون زهد و ارتباط مشایخ صوفیه با ایشان

محمد سوری^۱

هرچند زمینه شکل‌گیری طریقت‌های عرفانی در جهان اسلام، از حدود سده‌های چهارم و پنجم آغاز شده بود، صورت نهایی این طریقت‌ها - به گونه‌ای که بیشتر آن‌ها سلسله طریقتی خود را از طریق امامان شیعه و به‌ویژه امام رضا (ع) تا امام علی (ع) به رسول خدا (ص) می‌رسانند - به سده هفتم و پس از آن برمی‌گردد. حال، چه تصویری از امامان و به‌ویژه امام کاظم (ع) در زهد و عرفان اسلامی وجود داشته که به پذیرش ایشان به عنوان اقطاب سلسله‌های عرفانی انجامیده است؟ آیا با بررسی متون زهد و تصوف اولیه، به نقش امامان در شکل‌گیری این طریقت‌ها می‌توان پی برد؟ هم‌چنین در برخی از منابع، ادعا شده است که برخی از مشایخ متقدم صوفیه با امام کاظم (ع) ارتباط داشته‌اند.

در مقاله حاضر، نخست کتاب‌های زهد را به طور کامل بررسی و به کتاب‌های متقدم عرفان اشاره کرده و آنگاه میزان صحت و سقم روایات حاکی از ارتباط مشایخ صوفیه با آن حضرت را بر رسیده است. در پایان،

ص: ۳۷۳

به این نتیجه می‌رسد که اولاً در کتاب‌های زهد و عرفان فقط به اختصار از امام علی (ع) تا امام صادق (ع) یاد شده است و از دیگر ائمه و به‌ویژه امام کاظم (ع) مطلقاً ذکری در میان نیست؛ ثانیاً هرچند دیدار یکی از مشایخ صوفیه، شقیق بلخی، با امام کاظم (ع) کم‌وبیش قابل اثبات است، همین دیدار هم در هیچ‌یک از متون عرفانی ذکر نشده و عملاً در تاریخ عرفان و شکل‌گیری طریقت‌های عرفانی تأثیری نداشته است. بنابراین، برای فهم چگونگی و چرایی ورود اسامی ائمه به سلسله‌های عرفانی، مراجعه به متون زهد و تصوف کارگشا نیست و باید به دنبال دلایل دیگری برای آن بود.

واژگان کلیدی: امام کاظم (ع)، عرفان اسلامی، پیر طریقت، زهد و تصوف، مشایخ صوفیه.

در عرفان اسلامی، پیر یا شیخ طریقت نقش بسیار برجسته‌ای دارد و فرد سالک باید برای پرهیز از گمراهی، همه مراحل سلوک را زیر نظر وی ببیند و حتی اراده خود را در اراده او محو کند. این اهمیت تا جایی است که گفته‌اند: «من لیس له شیخٌ فشیخُهُ الشَّیطانُ»^۲. عارفان بر این باورند که سلوک طریقت، دانشی رسمی نیست که بتوان خودآموز به آن دست یافت، بلکه پیر، تربیتی معنوی را با نفس پاک خود سینه‌به‌سینه به سالک منتقل می‌کند، همان‌گونه که خود پیر نیز پیش‌تر این امور را به همین شیوه فراگرفته است.

دریافت امور باطنی از پیر مانند نقل حدیث پیامبر و امام در علم حدیث است. همان‌طور که نقل روایت از محدثان، تنها در صورتی اعتبار دارد که سند روایت به پیامبر یا امام برسد، در عرفان نیز سلسله پیران باید به پیامبر برسد تا اعتبار

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. نورالدین عبدالرحمان کِسْرُقی اسفراینی، کاشف الاسرار، ص ۱۴۷.

داشته باشد. در علم حدیث استاد به شاگرد خود «اجازه نقل حدیث» می‌دهد - خواه شفاهی یا کتبی - و در عرفان، پیر به سالک خرّقه می‌پوشاند. ده‌ها طریقت عرفانی در عرفان اسلامی وجود دارد که همه آن‌ها سند خرّقه خود را در نهایت به پیامبر (ص) می‌رسانند. نکته مهم این است که نقش امامان شیعه در بیش‌تر این طریقت‌ها بسیار پررنگ است. این سندها عموماً به «معروف کرخی» و از طریق ایشان به امام رضا (ع) و پدران بزرگوارشان تا امیرمؤمنان و پیامبر می‌رسد.^۳

شکل‌گیری نهایی این سندها از نظر تاریخی به حدود سده هفتم هجری برمی‌گردد. تا پیش از این تاریخ، در متون پُرشمار زهد و تصوف، خبری از این‌گونه سندها نیست. در این‌جا پرسشی مطرح می‌گردد: آیا از نظر واقعیت تاریخی، میان افرادی که در این سلسله‌ها هستند، رابطه استادی و شاگردی یا مرادی و مریدی وجود داشته است؟ آیا آوردن نام امامان در این سندها دارای پشتوانه فکری و نشانه پیشوایی معنوی ایشان در میان صوفیه است یا این‌که نوعی ادعای بی‌دلیل و بر ساخته ذهن صوفیان است؟ در این‌جا بحث در چرایی ورود نام امامان در سندهای صوفیه نیست؛ زیرا خود بحثی جداگانه می‌طلبد، بلکه بحث در این است که متون کهن زهد و تصوف، چه تصویری از امامان ارائه می‌کنند و آیا آن تصویر می‌تواند زمینه‌ساز ورود نام ایشان در سلسله‌های صوفیه باشد؟

نکته دیگر این‌که شکل‌گیری عرفان اسلامی با پدیده‌ای به نام «زُهد» همراه بوده است. پیامبر و امامان و بسیاری از اصحاب و تابعان و تبع تابعان، زندگی زاهدانه‌ای داشتند و به زهد دعوت می‌کردند. سده نخستین هجری و اوایل سده دوم، دوره زهد محض است؛ یعنی زهدی که هنوز به عرفان تبدیل نشده و ویژگی اصلی آن پشت پا زدن به دنیا، به دلیل بی‌ارزشی دنیا یا به سبب خوف از عذاب آخرت و تا حدودی رغبت به بهشت و نعمت‌های آن است. پس از آغاز عصر کتابت و از اواخر سده دوم هجری به بعد، برخی از زهاد که اغلب گرایش حدیثی داشتند، مجموعه روایات زهدآمیز پیامبر و اصحاب و دیگر زهاد را در کتاب‌هایی گردآوری کردند و نام‌هایی از قبیل کتاب الزهد یا کتاب الرقائق بر آن نهادند. همان‌طور که زهد، زمینه پیدایش عرفان را فراهم کرد، کتاب‌های زهد نیز زمینه‌ای برای پیدایش ادبیات عرفان و تصوف شد. بیش‌تر مطالبی که در کتاب‌های زهد وجود دارد، در کتاب‌های عرفانی مورد اشاره قرار گرفته یا شرح و بسط یافته است.

عرفان اسلامی که در اواخر سده دوم به تدریج راهش را از زهد جدا کرده و حیثیت جداگانه‌ای یافته بود، در سده سوم به اوج شکوفایی خود رسید. آنچه باعث شد عرفان از زهد متمایز شود، این نکته بود که زهد در خصوص این دنیا تنها

۳. نمونه‌ای از سندی کهن را می‌توان در عبارت ذیل مربوط به سند خرّقه شیخ ابوسعید ابوالخیر (ف. ۴۴۰) ملاحظه کرد: «خرّقه شیخ بوسعید رحمه الله علیه از دست [بو] عبدالرحمان سلمی دارد و او از دست بوالقاسم نصرآبادی دارد و او از دست ابوبکر شبلی دارد و او از دست جُنید دارد و او از دست سَری سَقَطی دارد و او از دست معروف کرخی دارد و او از دست [علی الرضا دارد و او از دست پدر خویش، موسی الکاظم دارد و او از دست] پدر خویش، جعفر الصادق دارد و او از دست پدر خویش، محمد الباقر دارد و او از دست پدر خویش، علی زین‌العابدین دارد و او از دست پدر خویش [حسین الشهید دارد و او از دست پدر خویش] امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب - رضوان الله علیهم اجمعین - دارد و او از دست مبارک محمد مصطفی - صلوات الله و سلامه علیه». نسخه خطی شماره ۱۲۹۲ در کتابخانه مرکزی قونیه، برگ ۳۹ آ، کتابت شده در تاریخ (۷۱۴)

جنبه سلبی و نفیی داشت؛ یعنی ترک دنیا در این دنیا و رسیدن به نتیجه و پاداش آن در آخرت؛ ولی نگاه عرفان این بود که بالاترین پاداش آخرت را که همان قُرب الهی و شناخت خداوند (عرفان یا معرفت) است، در همین دنیا نصیب فرد کند. ۴. عارفان بزرگ سده سوم - از قبیل ذوالنون مصری، سهل تستری و جنید بغدادی - همواره در متون عرفانی بعدی، سرمشق و اسوه عارفان به شمار

ص: ۳۷۶

آمده‌اند و سخنان و حکایات و آموزه‌های ایشان، خطی‌مشی عرفان را در سده‌های بعد تعیین کرده است.

ادبیات عرفانی از اواخر سده دوم هجری مسیر خود را با نگارش رساله‌های کوتاه آغاز کرد و در طول سده چهارم، با پیدایش کتاب‌های جامع عرفانی مانند اللُّمَع نوشته ابونصر سَرَّاج طوسی (ف. ۳۷۸)، التعرف نوشته ابوبکر کلابادی (ف. ۳۸۰)، قوت القلوب نوشته ابوطالب مکی (ف. ۳۸۶) و تهذیب الأسرار نوشته ابوسعید خرگوشی (ف. ۴۰۶ / ۴۰۷) به کمال رسید. در واقع، بخش عمده ادبیات عرفانی پس از این دوره تکرار سخنان پیشینیان است و نوآوری خاصی ندارد.

اکنون پرسش گذشته دوباره مطرح می‌شود که نقش امامان در متون پیش‌گفته زهد چیست و این متون چه تصویری از ایشان ارائه می‌کنند؟ آیا این تصویر با نگاهی که در سده‌های بعد به امامان شده و ایشان را سرسلسله مکاتب عرفانی مطرح کرده سازگار است؟

بررسی تصویر همه امامان در متون زهد، از حوصله یک مقاله بیرون است. این مقاله صرفاً به نقش امام کاظم (ع) در این متون می‌پردازد. نوشتار حاضر در دو بخش سامان یافته است: بخش نخست کتاب‌های زهد را به اختصار معرفی می‌کند و حضور امام کاظم (ع) را در آن آثار برمی‌رسد. ۵. در برخی از منابع حدیثی شیعه و سنی، ادعا شده است که تعدادی از مشایخ صوفیه با آن حضرت مرتبط بوده و از ایشان کسب فیض کرده‌اند. در بخش دوم، از چگونگی این ارتباط و میزان صحت آن بحث می‌شود.

ص: ۳۷۷

از لابه‌لای کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌ها و دیگر منابع کهن، حدود صد عنوان کتاب الزهد را می‌توان شناسایی کرد که بخش اندکی از آن - حدود بیست اثر - به صورت خطی به ما رسیده و تعداد چهارده اثر به صورت چاپی وجود دارد که

۴. درباره رابطه زهد و تصوف و تحولات آن، نک: نصرالله پورجوادی، رؤیت ماه در آسمان، ص ۱۱۲-۱۲۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۵. البته بررسی متون عرفان و تصوف نیز در این زمینه ضرورت دارد که در نوشتاری دیگر به آن خواهیم پرداخت. هرچند در آن کتاب‌ها نیز یا به کلی از امامان (ع) یاد نکرده‌اند یا حداکثر از شش امام اول سخن به میان آورده و درباره امام کاظم (ع) و امامان پس از ایشان سکوت کرده‌اند.

۶. احمد فرید در مقدمه کتاب الزهد عبدالله بن مبارک مروزی (ریاض: دارالمعراج الدولیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵، ص ۱۴۴-۱۵۳) ۶۲ نمونه از کتاب‌های زهد اهل سنت، و غلامرضا عرفانیان در مقدمه الزهد حسین بن سعید اهوازی (قم: نشر سیدابوالفضل حسینیان، چاپ دوم، ۱۴۰۲ / ۱۳۶۱ ش) شانزده نمونه از کتاب‌های زهد شیعه را معرفی کرده‌اند، ولی نگارنده در مقاله‌ای که با عنوان «کتاب‌شناسی کتاب‌های زهد» در دست تدوین دارد، حدود صد اثر را شناسایی کرده است.

در بحث حاضر بررسی شده است. قدیم‌ترین کتاب الزهد از زاهد و محدث شیعی ابوحمزه ثابت بن دینار ثمالی (ف. ۱۵۰)، شاگرد امامان چهارم تا ششم است که فقط نامی از آن باقی مانده ۷ و کتاب الزهد عبدالله بن مبارک مروزی (ف. ۱۸۱)، ۸ اولین کتابی به شمار می‌آید که در زهد به صورت کامل به دست ما رسیده است.

دیگر کتاب‌های موجود، به ترتیب تاریخ درگذشت نویسندگان آن‌ها عبارتند

ص: ۳۷۸

از: کتاب الزهد معافی بن عمران موصلی (ف. ۱۸۵)، ۹ کتاب الزهد وکیع بن جرّاح رؤاسی (ف. ۱۹۷)، ۱۰ کتاب الزهد اسد بن موسی اموی مصری (ف. ۲۱۲) که بخش کوچکی از آن باقی مانده است؛ ۱۱ کتاب الزهد احمد بن حنبل مروزی (ف. ۲۴۱)، ۱۲ کتاب الزهد فی الدنيا و مافیها از هناد بن سَری کوفی (ف. ۲۴۳)، ۱۳ کتاب الزهد

۷. فؤاد سزگین، تاریخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی و دیگران، ج ۱، بخش چهارم، ص ۱۰۵، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود الإسلامیه، ۱۴۱۱/۱۹۹۱، سیدحسین مدرسی طباطبایی احتمال داده است که کتاب ابوحمزه ثمالی همان متنی باشد که کلینی در کافی (تصحیح محمدحسین درایتی، ج ۸، ص ۱۷-۱۴، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۷/۱۴۳۰ ش) با عنوان «صحیفه علی بن الحسین (ع) و کلامه فی الزهد» آورده است (میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ترجمه سیدعلی قرایی و رسول جعفریان، ص ۴۴۵، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش)، ولی حجم کم صحیفه این احتمال را ضعیف می‌کند.

۸. از این کتاب دو تصحیح در دسترس است: ۱. کتاب الزهد و بلیه کتاب الرقائق (تصحیح حبیب الرحمان الأعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا)؛ ۲. الزهد و الرقائق (ج ۲، تصحیح احمد فرید، ریاض: دار المعراج الدولیه، چاپ اول، ۱۹۹۵/۱۴۱۵). در متن حاضر از تصحیح دوم بهره برده‌ایم که نسبتاً تصحیح انتقادی محسوب می‌شود.

۹. مشخصات کتاب‌شناختی: کتاب الزهد، تصحیح ابوحرث عامر حسن صبری، بیروت: دار البشائر الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹.

۱۰. مشخصات کتاب‌شناختی: کتاب الزهد، ج ۳، تصحیح عبدالرحمان بن عبدالجبار فریوائی، مدینه: مکتبه الدار، چاپ اول، ۱۴۰۴/۱۹۸۴.

۱۱. بخش باقی مانده از کتاب الزهد اسد بن موسی چهار بار منتشر شده است: ۱. تصحیح رودولف لزینسکی (Rudolf Leszynski) در ضمن کتابش با عنوان

Mohammedanische Traditionen ber das Jngste Gericht

، برلین: مطبعه ماکس شمروسوف، ۱۹۰۹؛ ۲. تصحیح رئیف جورج خوری، در مجلد دوم از مجموعه مخطوطات عربی کهن (Codices Arabici Antiqui) به همراه ترجمه آلمانی کتاب، ویسبادن: ۱۹۷۲؛ ۳. الزهد، تصحیح ابواسحاق حوینی اثری، دسوق: مکتبه الوعی الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳/۱۹۹۳؛ ۴. الزهد، تصحیح بسّام عبدالوهاب الجابی، بیروت: المکتب الإسلامی، چاپ اول، ۱۹۹۹. سه چاپ اول و سوم و چهارم در اختیار ماست و فقط به چاپ خوری دسترسی نداریم. با توجه به اینکه چاپ لزینسکی فاقد شماره‌گذاری احادیث است، در ارجاعات از نسخه سوم که بر اساس دو نسخه خطی تصحیح شده و بسیاری از سهوهای چاپ لزینسکی را درست کرده است بهره برده‌ایم. نسخه چهارم همان چاپ رئیف خوری است با حذف تعلیقات او.

۱۲. از کتاب الزهد احمد بن حنبل دو چاپ بسیار آشفته و پرغلط در دسترس است: ۱. الزهد، تصحیح محمد جلال شرف، بیروت: دار النهضة العربیه، ۱۹۸۱. این چاپ فقط دوازده باب آغازین کتاب درباره پیامبران را دارد. ۲. الزهد، تصحیح محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹. در هیچ‌کدام از این دو چاپ کمترین اصول تحقیق علمی صورت نپذیرفته است، ولی با توجه به کامل‌تر بودن نسخه دوم از آن بهره برده‌ایم. باعث شگفتی است که سلفیان معاصر که به آثار احمد بن حنبل عنایت ویژه دارند و هر اثر او را دوباره و چندباره تصحیح و تذهیب کرده‌اند، در مورد کتاب الزهد هنوز هیچ کاری صورت نداده‌اند و دو چاپ فوق نیز خارج از محدوده آن‌ها صورت گرفته است. ناگفته نماند که سلفیان امروز برخلاف حنبلیان

ابوداود سجستانی (ف. ۲۷۵) صاحب سُننُ اُبی داوود، ۱۴ کتاب الزهد ابو حاتم رازی (ف. ۲۷۷) که خلاصه‌ای از آن موجود است؛ ۱۵ کتاب الزهد ابن ابی دنیا (ف. ۲۸۱)، ۱۶ کتاب الزهد ابن ابی عاصم شیبانی (ف. ۲۸۷)، ۱۷ معنی الزهد از ابوسعید بن اعرابی بصری (ف. ۳۴۰)، ۱۸ کتاب الفوائد و الزهد و الرقائق و المراثی از جعفر خُلدی (ف. ۳۴۸)، ۱۹ کتاب الزهد الکبیر ابوبکر بیهقی (ف. ۴۵۸)، ۲۰ کتاب الزهد خطیب بغدادی (ف. ۴۶۳).

کتاب‌های یادشده، در مجموع بیش از ۸۵۰۰ حدیث و سخن و حکایت را

نخستین، عنایت چندانی به زهد و تصوف ندارند و صوفیان را در کنار رافضه، بزرگ‌ترین بدعت‌گذاران در دین می‌دانند و چه بسا همین باعث شده که به کتاب الزهد احمد بن حنبل روی خوشی نشان ندهند، همان طور که کتاب دیگر او با نام فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) فقط در قم تصحیح و چاپ شده است (تصحیح حسن حمید سنید، قم: مجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام، ۱۴۲۵).

۱۳. مشخصات کتاب‌شناختی: کتاب الزهد، ۲ ج، تصحیح عبدالرحمان بن عبدالجبار فریوئی، کویت: دار الخلفاء، چاپ اول، ۱۴۰۶/۱۹۸۵. عنوان کتاب در نسخه اساس این تصحیح «کتاب الزهد فی الدنیا وما فیها» است (نک- ص ۴۱) که صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۱۴. مشخصات کتاب‌شناختی: الزهد لأبی داوود السجستانی روایه ابن الأعرابی عنه، تصحیح یاسر بن ابراهیم بن محمد و غنیم بن عباس بن غنیم، قاهره: دار المشکاه، چاپ اول، ۱۴۱۴/۱۹۹۳.

۱۵. مشخصات کتاب‌شناختی: الزهد، تصحیح منذر سُلمی محمود دومی، ریاض: دار أطلس، چاپ اول، ۱۴۲۱/۲۰۰۰.

۱۶. مشخصات کتاب‌شناختی: الزهد، تصحیح یاسین محمد سَوَّاس، دمشق، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹.

۱۷. مشخصات کتاب‌شناختی: کتاب الزهد: کتاب فیہ ذکر الدنیا والزهد فیها والصمت وحفظ اللسان والعزله، تصحیح عبدالعلی عبدالحمید اعظمی ازهری، بمبئی: الدار السلفیه، چاپ اول، ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

۱۸. کتاب الزهد ابن اعرابی دو بار با این مشخصات منتشر شده است: الزهد وصفه الزاهدین، تصحیح مجدی فتحی السید، طنطا: دار الصحابه للتراث، ۱۴۰۸؛ کتاب فیہ معنی الزهد والمقالات وصفه الزاهدین، تصحیح خدیجه محمد کامل، قاهره: مطبعه دار الکتب المصریه، ۱۹۹۸. ما به چاپ طنطا دسترسی نداشتیم و از فقط از چاپ قاهره بهره برده‌ایم.

۱۹. مشخصات کتاب‌شناختی: الفوائد والزهد والرقائق والمراثی، تحقیق مجدی فتحی السید، طنطا: دار الصحابه للتراث، ۱۴۰۹/۱۹۸۹.

۲۰. مشخصات کتاب‌شناختی: کتاب الزهد الکبیر، تحقیق عامر احمد حیدر، بیروت: دار الجنان و مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۸/۱۹۸۷. این کتاب بیش‌تر نیز با این مشخصات چاپ شده بوده است: کتاب الزهد الکبیر، تصحیح تقی‌الدین ندوی، کویت: دار القلم، ۱۹۸۳. نگارنده به چاپ کویت دسترسی ندارد، ولی ظاهراً آنقدر این چاپ مغلوط و مغشوش بوده است که یکی از آشنایان با علم حدیث کتابی جداگانه در نقد و بررسی نادرستی‌های آن نگاشته است، با این مشخصات: ابونصر سراج‌الدین شافعی، عبثُ الخلف بکتب السلف: أخطاء الدكتور تقی‌الدین ندوی فی تحقیق کتاب الزهد للإمام البیهقی رحمه الله تعالی الذی نال به شهادة الدكتوراه، بیروت: مکتبه المحدث محمد زکریا الکاندهلوی، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹. با مطالعه کتاب حاضر معلوم می‌شود که عنوان «عبثُ الخلف بکتب السلف» کاملاً بجا و مناسب است.

۲۱. مشخصات کتاب‌شناختی: المنتخب من کتاب الزهد والرقائق وبلیه للمؤلف طرق حدیث عبدالله بن عمر عن النبی فی ترائی الهلال. تصحیح عامر حسن صبری، بیروت: دار البشائر الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۰/۲۰۰۰.

شامل می‌گردند. بخش عمده‌ای از این آثار، احادیث زهدآمیز رسول خدا (ص) است. پس از رسول خدا (ص) از بسیاری از صحابه و تابعان و تبع تابعان و زهاد و صوفیه، سخنانی وجود دارد یا حکایاتی از زندگی زاهدانه ایشان نقل شده، ولی حجم روایاتی که درباره امامان وجود دارد، در مقایسه با برخی دیگر از صحابه و تابعان یا زهاد بسیار اندک است. همه مطالب مربوط به امامان به ده صفحه نمی‌رسد. برخی از کتاب‌های زهد بر حسب افراد تنظیم شده و اخبار هر فرد در بابتی مستقل قرار گرفته است. از میان ائمه، تنها علی بن ابی‌طالب (ع) و علی بن الحسین (ع) دارای باب مستقل هستند. البته حجم اخبار این‌ها با زهاد دیگر اصلاً قابل مقایسه نیست. در این کتاب‌ها از علی بن ابی‌طالب، امام حسن، امام حسین، علی بن الحسین و امام محمدباقر (ع) اندک سخنانی نقل شده و گاه احادیثی از پیامبر (ص) به روایت ایشان است. هیچ سخن یا حکایتی از امام جعفر صادق (ع) وجود ندارد و فقط در چند جا ایشان راوی حدیث هستند. شگفت است که کتاب‌های موجود، حدود سیصد سال از ادبیات زهد را در برمی‌گیرند (از ابن‌مبارک متوفای ۱۸۱ تا خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳) ولی در مجموع آن‌ها حتی یک کلمه از امام صادق (ع) وجود ندارد. با درک این مطلب، بهتر درباره «تفسیر عرفانی» منسوب به ایشان یا آثار زاهدانه و عارفانه‌ای که در سده‌های اخیر به وی نسبت داده‌اند، از قبیل مصباح‌الشریعه، می‌توان داوری کرد. هم‌چنین از امام کاظم (ع) که موضوع سخن ماست، مطلقاً هیچ یادی نشده، حال آن‌که از هم‌عصران ایشان، از قبیل ابراهیم ادهم (ف. ۱۶۱) و فضیل بن عیاض (ف. ۱۸۱)، ده‌ها و بلکه صدها سخن و حکایت وجود دارد.

ادبیات زهد نه تنها از حضور امامان تقریباً بی‌بهره است، بلکه برخی حکایات مرتبط با ایشان، مثلاً در کتاب‌الزهد ابن‌مبارک و ابوحاتم رازی، از ذم امامان و

اثبات برتری دیگر زهاد حکایت می‌کند. ۲۲

۲۲. برای نمونه، در کتاب الزهد عبدالله بن مبارک (ص ۵۸۴) آمده است که فردی برای حاجتی نزد حسین بن علی (ع) می‌رود ولی متوجه می‌شود که ایشان در حال اعتکاف هستند. حضرت می‌فرماید: «اگر در اعتکاف نبودم حتماً حاجتت را برآورده می‌کردم.» مرد سپس نزد حسن بن علی (ع) می‌رود و قصه دیدارش با حسین را نیز حکایت می‌کند. حسن بن علی می‌فرماید: «برآورده کردن نیاز برادر دینی از یک ماه اعتکاف برای من ارزشمندتر است.» این قصه به‌تنهایی ذم امام حسین (ع) است، به‌ویژه اگر آن را با سخن بعدی کتاب مقایسه کنیم که از حسن بصری (ف. ۱۱۰) است. در این جا حسن بصری نزد ثابت بُنّانی (ف. ۱۲۳) می‌رود تا با هم نیاز کسی را برآورده کنند. ثابت می‌گوید: «من معتکفم.» حسن می‌گوید: «برآورده کردن نیاز برادر دینی از یک سال اعتکاف برای من ارزشمندتر است.» خواننده کتاب با مقایسه رفتار امام حسین (ع) و حسن بصری به‌سادگی به بزرگی حسن بصری پی می‌برد، مخصوصاً اینکه حکایت مربوط به حسن بصری دقیقاً بعد از حکایت مربوط به امام حسین (ع) نقل شده است. متن عربی این دو حکایت از این قرار است: «عن ابی جعفر، قال: جاء رجل إلى حسین بن علی فاستعان به علی حاجه فوجده معتكفاً. فقال: لولا اعتكافي لخرجت معك فقضيت حاجتك. ثم خرج من عنده فأتی الحسن بن علی فذكر له حاجته فخرج معه لحاجته. فقال: أما إني قد كرهت أن أعينك في حاجتي ولقد بدأت بحسین، فقال لولا اعتكافي لخرجت معك. فقال الحسن: لقتضاء حاجه أخ لی فی الله أحب إلی من اعتكاف شهر. أخبركم أبو عمر بن حیویه، قال: حدثنا یحیی، قال: حدثنا الحسن، قال: أخبرنا عبد الله، قال: أخبرنا حمید الطویل، عن الحسن [البصری]، أنه دخل علی ثابت البنانی لینطلق فی حاجه لرجل، فقال ثابت: إني معتكف. فقال الحسن: لأن أفضی حاجه أخ لی مسلم أحب إلی من اعتكاف سنه.»

از کتاب‌های زهد چنین به دست می‌آید که اگر فرضاً همه مطالب مربوط به امامان شیعه را از این کتاب‌ها حذف کنیم، هیچ تغییر جدی در این ادبیات رخ نخواهد داد. می‌توان گفت از «معنویت تشیع» که برخی پژوهش‌گران معاصر یاد کرده‌اند، ۲۳ در ادبیات زهد هیچ خبری نیست، ولی اگر برای مثال سخنان و حکایات مربوط به حسن بصری یا حتی خلیفه دوم را حذف کنیم، این ادبیات لطمه جدی خواهد خورد. در مجموع به نظر می‌رسد که کتاب‌های موجود زهد هیچ تأثیری در پذیرش ائمه به عنوان اقطاب و حلقه‌های آغازین سلسله‌های صوفیه ندارند.

ص: ۳۸۲

در کتاب‌های کهن عرفان و تصوف درباره ارتباط سه تن از مشایخ صوفیه، (شقیق بلخی و معروف کرخی و بشر حافی) با امام کاظم (ع) مطلقاً ذکری به میان نیامده است. حکایت دیدار شقیق بلخی با آن حضرت، نخست در برخی منابع حدیثی شیعه و سنی مطرح شده و بعدها به متون عرفانی متأخر نیز راه یافته است. از آنجا که این مسأله پیش‌تر در پژوهشی مستقل بررسی شده، ۲۴ در ادامه به ذکر خلاصه‌ای از آن بسنده می‌کنیم:

«خوش‌نام» ۲۵ پسر صوفی بزرگ حاتم اصم (ف. ۲۳۷) از پدرش نقل کرده است که شقیق بلخی به من گفت:

در سفر حج به سال ۱۴۹ در قادسیه توقف کردیم. نگاهی به مردم انداختم که با لباس‌ها و چادرهای گوناگون بودند و هر کس به فراخور حال خود به این سفر آمده بود. گفتم: «خداوندا، این‌ها برای زیارت تو راه افتاده‌اند، پس ناامیدشان نکن!» افسار چهارپایم در دستم بود و دنبال جایی می‌گشتم که دور از مردم باشم. در همان حال جوانی زیبارو و سبزه‌فام را دیدم که سیمای بندگی داشت و نشانه سجده میان دو چشمانش بود. جامه‌ای پشمینه روی

ص: ۳۸۳

۲۳. برای نمونه، نک:

Carl W. Ernst. *Following Muhammad: Rethinking Islam in the Contemporary World* Islamic Civilization and Muslim Networks. Chapel Hill: The University of North Carolina Press, ۲۰۰۲. (pp. ۸۶۱-۴۷۱).

۲۴. مقاله عالمانه پروفسور حامد الگار با این مشخصات: حامد الگار، «امام موسی کاظم (ع) و اخبار اهل تصوف»، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، معارف، دوره دهم، ش ۲ و ۳، مرداد- اسفند ۱۳۷۲، ص ۴۲-۵۵. هم‌چنین محمدرضا انصاری قمی نقدی جالب بر این مقاله نوشته‌اند (محمدرضا انصاری قمی، «توضیحاتی درباره روایت ملاقات شقیق بلخی با امام کاظم (ع)»، معارف، دوره یازدهم، ش ۳، آذر- اسفند ۱۳۷۳، ص ۳۰-۴۰). مشخصات اصل انگلیسی مقاله حامد الگار از این قرار است:

ml. "noitidarT ifuS dna miz ع K- la ع s M m ع ragIA dimaH"

Islamic Culture: An English Quarterly, Published by The Islamic Culture Board, Hyderabad- India, Volume LXIV, , pp. ۰۹۹۱, January ۱۸No. ۴۱- ۱.

۲۵. از آنجا که واژه «خوش‌نام» برای عرب‌زبانان آشنا نبوده است، در برخی منابع عربی آن را به هشام یا حسام تصحیف کرده‌اند. برای نمونه، نک:- طبری، دلائل الإمامه، ص ۱۵۳: ابن صباح، الفصول المهمه، ص ۲۲۲.

لباس‌هایش پوشیده بود و کفشی عربی به پا داشت و تنها، در جایی دور از مردم بود. با خود گفتم: «او از صوفیه اهل توکل است که می‌خواهد در مسیر سربار دیگران باشد. به خدا سوگند نزدش می‌روم و سرزنشش می‌کنم که دست از این کارها بردارد.» همین که نزدیکش شدم و مرا دید، فرمود: «ای شقیق، (اجتنبوا کثیراً من الظن إن بعض الظن إثم ولا تَجَسَّسُوا) ۲۶. و از من دور شد. با خود گفتم: «این جوان راز مرا آشکار کرد و از آنچه در دل داشتم سخن گفت و نامم را برد و این کارها جز از ولی حقیقی خداوند ساخته نیست. باید از او حلاکت بطلبم.» شتابان به دنبالش رفتم ولی پیدایش نکردم و از نظرم پنهان شد.

در منزل «واقصه»، دوباره جوان را دیدم که بر تلی از رمل نماز می‌خواند و لرزه بر همه اعضا و جوارحش افتاده بود و از خوف خدا اشک از دیدگانش جاری بود. با خود گفتم: «نزدش بروم و حلاکت بخواهم.» همین که مرا دید، فرمود: «ای شقیق، (وإنی لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحاً ثم اهتدی) ۲۷. این را گفت و از نظرم پنهان شد. با خود گفتم: «این مرد باید از ابدال باشد؛ زیرا دو بار ضمیر مرا خواند و اگر نزد خدا ارج و قربی نداشت نمی‌توانست ضمیر مرا بخواند.»

در منزل «زباله»، او را سر چاه دیدم. می‌خواست مشکش را از آب پر کند، ولی مشک در چاه افتاد. جوان چشم‌هایش را به آسمان گرفت و گفت: «خداوندا، تویی که مرا سیراب می‌کنی و با طعام نیرو و قوت می‌بخشی. من جز همین مشک ندارم، پس محرومم نکن!» ناگهان دیدم که آب چاه بالا آمد تا جایی که بر زمین جاری شد و جوان مشکش را گرفت و پر کرد و با آن وضو ساخت و چند رکعت نماز خواند. سپس به طرف تلی از رمل سفید

ص: ۳۸۴

رفت و مشک را با رمل پر کرد. آن‌گاه مشک را تکان داد و از آن نوشید. با خود گفتم: «می‌بینی؟ رمل را به سویق ۲۸ تبدیل کرد.»

نزدیکش رفتم و گفتم: «از نعمت خدا به من هم بده.» گفت: «ای شقیق، نعمت‌های خداوند پیوسته بر ما اهل بیت می‌بارد و دستان او بر ما گشوده است. پس به پروردگارت گمان نیک ببر زیرا او صاحب گمان نیک را ناامید نمی‌کند.» مشک را گرفتم و نوشیدم؛ سویق و شکر بود. به خدا سوگند چیزی از آن گواراتر و خوش‌بوتر ننوشیده بودم. هم سیر شدم و هم سیراب و تا چند روز میلی به آب و غذا نداشتم. مشک را به او برگرداندم. باز هم از نظرم پنهان شد.

بار دیگر جوان را پس از مراسم حج در مکه دیدم. در خاموشی شب کنار خانه خدا با خضوع و خشوع و اشک و آه نماز و قرآن می‌خواند. تا این‌که صبح شد و نماز صبح را به جای آورد و هفت بار طواف کرد و از مسجد خارج شد. متوجه شدم که لباسش با آنچه در سفر بود تفاوت دارد و میدان اطرافش را گرفته‌اند و بر او سلام می‌کنند و سؤال‌های مختلف می‌پرسند. از یکی از اطرافیانش پرسیدم: «این جوان کیست؟» گفت: «ایشان ابوالبراهیم عالم آل محمد است.»

۲۶. حجرات، آیه ۱۲.

۲۷. طه، آیه ۸۲.

۲۸. سویق خوراکی است روان که از آرد سفید و بیخته گندم و جو درست می‌شود.

گفتم: «ابو ابراهیم کیست؟» گفت: «موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب.» گفتم: «اگر این مسائل در غیر از خاندان رسول اتفاق می افتاد تعجب می کردم.» ۲۹

در میان منابع شیعه، کهن ترین روایت از این حکایت، در دو کتاب دلائل الإمامه و نوادر المعجزات ۳۰ نوشته ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آملی (ف. اواخر قرن ۴) که به طبری سوم مشهور است، آمده و از آن جا با اندک

ص: ۳۸۵

اختلاف در دیگر منابع شیعی - از قبیل بحار الأنوار ۳۱ و مدینه المعجزات ۳۲ - روایت شده است. هم چنین در میان منابع اهل سنت، قاضی حسن بن عبدالرحمان رامهرمزی (ف. ۳۶۰)، نخستین کسی است که این حکایت را در کتاب کرامات الأولیاء که امروزه مفقود شده، روایت کرده است. منابع دیگر از قبیل در صفه الصفوه ۳۳ ابن جوزی (ف. ۵۹۷)، در کشف الغمه ۳۴ اربلی (ف. ۶۶۲)، در تذکره الخواص ۳۵ سبط ابن الجوزی (ف. ۶۵۴) و در الفصول المهمه ۳۶ ابن صباغ مالکی (ف. ۸۵۵) همگی در نهایت به رامهرمزی می رسند.

درباره دیدار شقیق بلخی با امام کاظم (ع) دو نکته در خور توجه است: نخست این که آیا از نظر تاریخ امکان چنین دیداری وجود دارد؟ ابن تیمیه حرانی (ف. ۷۲۸) نخستین کسی است که اصل دیدار را زیر سؤال برده است. وی می گوید: امام کاظم (ع) در سال ۱۴۹ قمری و در دروه منصور دوانیقی در مدینه سکونت داشته اند و هیچ گزارشی از سفر ایشان به عراق در دست نیست؛ زیرا حضرت اولین بار در زمان مهدی عباسی به بغداد فراخوانده شدند. هم چنین امام با آن شهرت و عظمت، هیچ گاه تنها و غریب مسافرت نمی کردند. ۳۷ با این حال، احتمال صحت این داستان بسیار زیاد است. امام در سال ۱۴۹ قمری جوانی بیست و یک ساله بوده اند و با توجه به اختلافات شیعیان پس از شهادت امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ قمری بر سر امام بعدی، هنوز موقعیت آن حضرت در میان شیعیان و شهرت ایشان در میان عامه مسلمانان آن چنان تثبیت نشده بود که نتوانند به تنهایی سفر

ص: ۳۸۶

۲۹. ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، دلائل الإمامه، ص ۱۵۲-۱۵۴.

۳۰. همو، نوادر المعجزات، ص ۱۰۶.

۳۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۸۰-۸۲.

۳۲. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعجزات، ج ۷، ص ۱۹۵-۱۹۸.

۳۳. ج ۲، ص ۱۸۵.

۳۴. ج ۲، ص ۲۱۳.

۳۵. ص ۳۴۸-۳۴۹.

۳۶. ص ۲۲۲-۲۲۴.

۳۷. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۴، ص ۵۷.

بروند. هم‌چنین شواهدی وجود دارد که امام در دوره منصور نیز سفر یا سفرهایی به بغداد داشته‌اند.^{۳۸}

نکته دوم درباره دیدار شقیق بلخی با امام کاظم (ع) این است که چرا در منابع صوفیه هیچ خبری از این دیدار وجود ندارد. شقیق بلخی به تعبیر مورخ بزرگ صوفیه ابو‌عبدالرحمان سلّمی (ف. ۴۱۲)، «از مشاهیر مشایخ خراسان و اولین کسی است که در شهرهای خراسان از علم احوال سخن گفت و استاد حاتم اصم و شاگرد ابراهیم ادهم است.»^{۳۹} اخبار مربوط به شقیق در بیش‌تر منابع صوفیه ذکر شده و اگر ملاقات او با امام در میان صوفیه شهرت داشت، بی‌شک باید در منابع صوفیه می‌آمد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بر فرض صحت این ملاقات، صوفیه عموماً از آن آگاه نبوده‌اند و طبعاً درباره نگاه خود به اهل‌بیت از آن تأثیری نپذیرفته‌اند.^{۴۰}

در مقدمه، نخست از اهمیت شیخ و پیر (قطب) در عرفان اسلامی و نقش بی‌بدیل وی در سلوک عرفانی سخن گفتیم. هم‌چنین خاطر نشان کردیم که در همه طریقت‌های عرفانی که از حدود سده هفتم هجری به تدریج تأسیس شده‌اند، سلسله پیران یا اقطاب عرفان در نهایت به رسول خدا (ص) می‌رسد و در بیش‌تر این طریقت‌ها امامان شیعه، دست‌کم از امام رضا (ع) تا امام علی (ع)، حلقه وصل

ص: ۳۸۷

مشایخ صوفیه به پیامبر (ص) هستند. آن‌گاه این سؤال را مطرح کردیم که متون باقی‌مانده از زهد و عرفان اسلامی در دوره نخستین، چه تصویری از امامان و به ویژه از امام کاظم (ع) ارائه می‌کنند و آیا این تصویر می‌تواند به پذیرش ایشان به عنوان اقطاب تصوف بینجامد. مسأله بعدی این است که خارج از متون زهد و عرفان، درباره برخی از مشایخ عرفان ادعا شده که با امام کاظم (ع) ارتباط داشته و از ایشان کسب فیض کرده‌اند.

در بخش مربوط به متون زهد، با بررسی تک‌تک آثار باقی‌مانده از دوره زهد و مرور بیش از ۸۵۰۰ حدیث و حکایت، به این نتیجه رسیدیم که امامان، در نگاه زهاد، هیچ جایگاه برجسته‌ای نداشته‌اند و از امام کاظم (ع) و امامان پس از ایشان مطلقاً در این آثار یاد نشده است.

در بخش مربوط به ارتباط مشایخ صوفیه با امام کاظم (ع) از دیدار شقیق بلخی با ایشان، به نقل از کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی به تفصیل یاد کردیم و به این نتیجه رسیدیم که احتمالاً این حکایت درست به نظر می‌رسد از نظر تاریخی نیز احتمال وقوع آن بسیار قوی است. ولی در آثار عرفان و تصوف هیچ بازتابی از این دیدار وجود ندارد و از این رو، تأثیری در نوع نگاه عارفان به امام نداشته است.

۳۸. محمدرضا انصاری قمی، «توضیحاتی درباره روایت ملاقات شقیق بلخی با امام کاظم (ع)»، ص ۳۲-۳۴.

۳۹. سلّمی، ابو‌عبدالرحمان، طبقات الصوفیه، ص ۶۱.

۴۰. به ادعای برخی منابع متأخر شیعی، معروف کرخی (ف. ۲۰۰) از محضر امام کاظم (ع) کسب فیض کرده و بشر حافی (ف. ۲۲۷) نیز به دست امام توبه کرده است، ولی از آن‌جا که هیچ نوع شاهد تاریخی و کهن بر این مسأله وجود ندارد، از پرداختن به آن صرف‌نظر کردیم. در مورد این موضوع، نک: حامد الگار، «امام موسی کاظم (ع) و اخبار اهل تصوف»، ص ۴۷-۵۰.

خلاصه آن که نه از متون زهد و عرفان و نه از حکایاتی که درباره ارتباط برخی مشایخ صوفیه با امام کاظم (ع) و دیگر ائمه در کتاب‌های غیرعرفانی روایت شده است، نمی‌توان به این مسأله رسید که ائمه جایگاه خاصی در عرفان اسلامی داشته‌اند، تا آن‌جا که بتوان ایشان را واسطه انتقال معنویت از رسول خدا (ص) به مشایخ صوفیه به شمار آورد. بنابراین، برای بررسی تحولاتی که در سده‌های هفتم به بعد، به پذیرش ائمه به عنوان اقطاب عرفان انجامید باید دنبال دلایل دیگری بود.

ص: ۳۸۸

منابع

۱. ابن‌ابی‌دنیا، ابوبکر عبدالله بن محمد قرشی اموی بغدادی حنبلی (ف. ۲۸۱)، الزهد، تصحیح یاسین محمد سواس، دمشق: دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۲۰ / ۱۹۹۹.
۲. ابن‌ابی‌عاصم، ابوبکر احمد بن عمرو شیبانی (۲۰۶-۲۸۷). کتاب الزهد: کتاب فيه ذکر الدنيا والزهد فيها والصمت وحفظ اللسان والعزله، تصحیح عبدالعلی عبدالحمید اعظمی ازهری، بمبئی: الدار السلفیه، چاپ اول، ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳.
۳. ابن تیمیه حرانی، ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم (ف. ۷۲۸). منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه. تصحیح محمد رشاد سالم، بی‌جا: بی‌نا، چاپ اول، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶.
۴. ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمان بن علی (ف. ۵۹۷). صفه الصفوه. تصحیح عبدالرحمان لادقی و حیاة شیخا لادقی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵.
۵. ابن صباغ، علی بن محمد بن احمد مالکی مکی (۷۸۴-۸۵۵). الفصول المهمه فی معرفه أحوال الأئمه، بیروت: دارالأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۹ / ۱۹۸۸.
۶. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (ف. ۲۷۵)، الزهد لأبی داوود السجستانی روایه ابن الأعرابی عنه، تصحیح یاسر ابراهیم محمد و غنیم عباس غنیم، قاهره: دار المشکاه، چاپ اول، ۱۴۱۴ / ۱۹۹۳.
۷. ابوسعید بن اعرابی (ف. ۳۴۰)، کتاب فيه معنی الزهد والمقالات وصفه الزاهدین. تصحیح خدیجه محمد کامل، قاهره: مطبعه دارالکتب المصریه، ۱۹۹۸.
۸. احمد بن حنبل (ف. ۲۴۱). الزهد، تصحیح محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ / ۱۹۹۹.
۹. -، تصحیح محمد جلال شرف، بیروت: دار النهضه العربیه، ۱۹۸۱.

ص: ۳۸۹

۱۰. فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع). تصحيح حسن حميد سنيد، قم: المجمع العالمي لأهل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۲۵.

۱۱. اربلي، علي بن عيسى (ف. ۶۶۲)، كشف الغمه، بی جا، بی نا، بی تا.

۱۲. اسفرايني، نورالدين عبدالرحمان كِسْرَقِي (ف. ۷۱۷)، كاشف الاسرار به انضمام پاسخ به چند پرسش رساله در روش سلوك و خلوت نشيني، تصحيح هرمان لندلت، چاپ اول: تهران، مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه مگ گيل، ۱۳۵۸ ش.

۱۳. اسد بن موسی، ابوسعید قرشی اموی مروانی مصری (ف. ۲۱۲)، الزهد، تصحيح ابواسحاق حوينی اثری، دسوق: مكتبه الوعي الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳.

۱۴. تصحيح بَسَام عبدالوهاب جابی، بيروت: المكتب الإسلامي، ۱۴۲۰ / ۱۹۹۹.

۱۵. تصحيح رودولف لزينسكي (Rudolf Leszynski)، در

Mohammedanische Traditionen ber das J ngste Gericht

، برلين: مطبعه ماكس شمروسوف، ۱۹۰۹.

۱۶. الگار، حامد، «امام موسی كاظم (ع) و اخبار اهل تصوف»، ترجمه آرميدخت مشايخ فریدنی، معارف، دوره دهم، شماره ۲ و ۳، مرداد اسفند ۱۳۷۲، ص ۴۲-۵۵.

۱۷. انصاری قمی، محمدرضا، «توضیحاتی درباره روایت ملاقات شقیق بلخی با امام كاظم (ع)»، معارف، دوره یازدهم، شماره ۳، آذر اسفند ۱۳۷۳، ص ۳۰-۴۰.

۱۸. اهوازی، حسین بن سعید (قرن ۳)، الزهد، تصحيح غلامرضا عرفانیان، قم: نشر سيدابوالفضل حسینیان، چاپ دوم، ۱۴۰۲ / ۱۳۶۱ ش.

۱۹. بحرانی، سیدهاشم (ف. ۱۱۰۷)، مدینه المعاجز، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۰. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین خسروجردي خراسانی (ف. ۴۵۸)، كتاب الزهد الكبير، تصحيح عامر احمد حيدر، بيروت: دارالجنان و مؤسسه الكتب الثقافیه، چاپ اول، ۱۴۰۸ / ۱۹۸۷.

۲۱. پورجوادی، نصرالله، رؤیت ماه در آسمان: بررسی تاریخ مسأله لقاءالله در کلام و تصوف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۲۲. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت (ف. ۴۶۳)، المنتخب من كتاب الزهد

ص: ۳۹۰

والرقائق ویلیه للمؤلف طرق حدیث عبدالله بن عمر عن النبی فی ترائی الهلال، تصحيح عامر حسن صبری، بيروت: دارالبشائر الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ / ۲۰۰۰.

۲۳. خُلْدِي، ابومحمد جعفر بن محمد بن نصير خَوَاصِ بَغْدَادِي (ف. ۳۴۸)، الفوائد والزهد والرقائق والمراثي، تصحيح مجدي فتحي السيد، طنطا: دار الصحابه للتراث، ۱۴۰۹ / ۱۹۸۹.

۲۴. رَازِي، ابوحاتم محمد بن ادريس بن منذر بن داوود بن مهران حنظلي (ف. ۲۷۷)، الزهد. تصحيح منذر سُليْم محمود دومي، رياض: دار اطلس، چاپ اول، ۱۴۲۱ / ۲۰۰۰.

۲۵. سبط ابن جوزي (ف. ۶۵۴)، تذكره الخواص المعروف بتذكره خواص الأئمه في خصائص الأئمه (عليهم السلام)، تهران: مكتبه نينوى الحديثه، بی تا.

۲۶. سزگين، فؤاد، تاريخ التراث العربي، ۱۰ جلد، ترجمه محمود فهمي حجازي و ديگران، رياض: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۱۱ / ۱۹۹۱.

۲۷. سُلمِي، ابو عبدالرحمان (ف. ۴۱۲)، طبقات الصوفيه، تصحيح نورالدين شريبه، قاهره: مكتبه الخانجي، چاپ سوم، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶.

۲۸. شافعي، ابونصر سراج الدين، عبثُ الخَلْفِ بكتب السلف: أخطاء الدكتور تقى الدين الندوى في تحقيق كتاب الزهد للإمام البيهقي رحمه الله تعالى الذي نال به شهادة الدكتوراه، بيروت: مكتبه المحدث محمد زكريا الكاندهلوي، چاپ اول، ۱۴۲۰ / ۱۹۹۹.

۲۹. طبري آملی، ابوجعفر محمد بن جرير بن رستم (ف. اواخر قرن ۴)، دلائل الإمامه. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۸ / ۱۹۸۸.

۳۰. -، نوادر المعجزات. قم: بی تا، بی تا.

۳۱. عبدالله بن مبارک مروزي (ف. ۱۸۱). كتاب الزهد والرقائق. ۲ ج، تصحيح احمد فريد، رياض: دار المعراج الدوليه، چاپ اول، ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵.

۳۲. عبدالله بن مبارک مروزي (ف. ۱۸۱)، كتاب الزهد ويليہ كتاب الرقائق، تصحيح حبيب الرحمان اعظمی، بيروت: دارالكتب العلميه، بی تا.

۳۳. كليني، ابوجعفر محمد بن اسحاق (ف. ۳۲۹). الكافي، ۱۵ ج، تصحيح محمدحسين

ص: ۳۹۱

درايتی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۳۰ / ۱۳۸۷ ش.

۳۴. مجلسی، محمدباقر (ف. ۱۱۱۰)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳.

۳۵. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ترجمه سیدعلی قرایی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

۳۶. معافی بن عمران ازدی موصلی، کتاب الزهد، دراسه و تحقیق و تعلیق: ابو حارث عامر حسن صبری، بیروت: دارالبشائر الإسلامیہ، چاپ اول، ۱۴۲۰ / ۱۹۹۹.

۳۷. وکیع بن جراح (ف. ۱۹۷)، کتاب الزهد، ۳ جلد، تصحیح عبدالرحمان بن عبدالجبار فریوائی، مدینہ: مکتبہ الدار، چاپ اول: ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴.

۳۸. ہناد بن سری بن مصعب تمیمی دارمی کوفی (ف. ۲۴۳)، کتاب الزهد، ۲ جلد، تصحیح عبدالرحمان بن عبدالجبار فریوائی، کویت: دار الخلفاء للکتاب الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۵.

Algar, Hamid .۱

"Im and Sufi Tradition" - K m M s c l m ۴۱"

Islamic Culture: An English Quarterly, Published by The Islamic Culture Board, ,
. Ernst, Carl W., ۲. ۴۱- ۱, pp. ۰۹۹۱, January ۱Hyderabad- India, Volume LXIV, No.
Following Muhammad: Rethinking Islam in the Contemporary World Islamic
Civilization and Muslim Networks. Chapel Hill: The University of North Carolina Press,
.۴۰۰۲

ص: ۳۹۲